



مدیریت سازمانی در اجرای امر به معروف در نظام حکمرانی اسلام

عبدالحسین رضایی راد

1- دانشیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده.. ادیان و مکاتب، علاوه بر دستورات عملی، راهکارهایی را برای اجرای آنها و حکمرانی درست و حاکم کردن ارزش‌ها نیز مطرح می‌سازند. در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر از جمله این راهکارها است اما همین راهکار بسیار مهم نیز اگر جامه عمل به خود نپوشاند و شرایط مساعد برای انجام درست آن در جامعه فراهم نباشد، خود نیز به تعطیلی یا انحراف می‌انجامد و به جای آن که ضمانت اجرای احکام دیگر باشد خود نیز در مرحله اجرا به بن بست می‌رسد این تحقیق محاسن روش سازمانی اجرای امر به معروف را مورد بررسی اجتماعی و تاریخی قرار می‌دهد و ضمن اشاره به ادله قرآنی و فقهی، برتری روش سازمانی را بر روش‌های دیگر به اثبات می‌رساند و می‌کوشد تا پرهیز از اکتفاء به روش‌های انفرادی و بهره‌گیری از روش سازمانی و سازمانی شدن اجرای امر به معروف در جوامع پیچیده و گسترده امروزی را به عنوان مهم‌ترین راهکار برای حفظ هنجارهای اجتماعی در نظام حکمرانی اسلامی پیشنهاد کند و نشان دهد که برای تحقق اهداف بلند و چند لایه شریعت، روش فردی و شخصی به تنهایی پاسخگو نیست و موجب تعطیلی و حتی انحراف این اصل از مسیر خود می‌گردد و نتایج معکوس به بار می‌آورد و باید با روش سازمانی و روشمند و منسجم به اجرا درآید و از تجربه‌های اجرایی جوامع اسلامی گذشته و جوامع بزرگ امروزی مانند قانون احزاب و مطبوعات و سازمان‌های مردم‌نهاد و راه‌های پیش‌گیری از جرایم محلی در ژاپن و برخی کشورها، در تدوین شیوه‌ها و هدف‌گذاری این سازمان کمک گرفت.

کلیدواژگان: سازمان، تشکیلات، حسبه، شریعت، اجتماع، حکمرانی، امر به معروف، نهی از منکر

The necessity of the organization in implementing the law

0

۱. Associate Professor, Faculty of Theolog, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract. Sharia is a set of practical instructions of every religion and school that comes from its vision and its worldview and its outcome, and undoubtedly what implements the goals of any religion or school is the application of these commands. Accordingly, religions and schools, In addition to the practical instructions, they also provide strategies for their implementation. In Islam, the law of good and forbidding is one of the strategies, but this very important strategy, even if it does not cover the practice of society and does not provide suitable conditions for doing it properly in the community itself, leads to closure or deviation, and instead of the guarantee of execution of the

sentences The other will be in the run-up to the deadlock This research seeks to prove that in today's complex and massive societies to execute the well-known tradition which according to narrations is the guarantor of the full implementation of the law and the secret of the survival of religion, and for the fulfillment of the long and multi-layered purposes of the Shari'a, the personal and personal method of accountability It causes the closure and even deviation of this principle from its own path and should be implemented in an organizational, methodical and coherent manner, and from the experience of the Islamic methods of the past and the modern societies, helped shape the methods and objectives of this organization.

Keywords: Organization, organization, sensation, sharia, community

اسلام مانند بسیاری از مکاتب و مذاهب، علاوه بر آموزش های نظری و ارائه‌ی جهان بینی صحیح به پیروان خود دستورات عملی متعددی را نیز برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی ارائه کرده است که در ادیان، «شریعت» (طباطبائی، بی‌تا، ج ۵، ۵۷۲-۵۷۵، قرشی، ۱۳۵۲، ج ۴، ۱۷) نامیده می‌شود و در مکاتب بشری معنایی نزدیک به «ایدئولوژی» دارد (گریگوری، ۱۳۸۹، مدخل ایدئولوژی) اما این دستورات، زمانی نتیجه بخش و مثمر ثمر خواهند بود که به اجرا درآیند و این نکته است که ایجاب می‌کند مکاتب و مذاهب برای اجرای دستورات عملی خود راهکارهای اجرایی که بعضاً «استراتژی» یا «راهکار» (خادم الرضا، ۱۳۹۶، ۶۰) نامیده می‌شوند نیز نشان دهند.

در اسلام امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو راهکار اساسی برای ضمانت اجرای احکام و دستورات دینی مطرح شده و مورد تاکید فراوان قرار گرفته (قرآن کریم، سوره توبه، آیه‌های ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره اعراف، آیه ۱۵۷) تا به حدی که اهمیت احکام دیگر در قیاس با آن‌ها به قطره در برابر اقیانوس تشبیه شده است (ابن ابی الحدید، ۱۹۳۰، ۱۹۵۹) و اجرای کلیه احکام و تحقق هدف تمامی انبیاء به اجرای این دو فریضه وابسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۷، ۳۹۷ و ری شهری، ۱۴۰۴، ۶، ۲۵۵، حدیث ۱۲۳۸۷ و ۱۲۸۸). با این وجود، همین دو فریضه نیز در طول تاریخ به کلی مورد بی‌مهری و کم توجهی قرار گرفته‌اند و گلايه‌های بسیاری از متروک و تعطیل شدن آن‌ها وجود داشته است (همراه دوست، ۱۳۷۷، ۱۰۹، ۱۳۷۷ و رشید رضا، ۱۴۱۲، ۴، ۳۰، آیتی، بی‌تا، سرتاسر کتاب و غزالی، ۱۳۵۲، ۲، ۴۴۲ و مطهری، بی‌تا، ۷۰۹، shafaat، ۱۳۸۲، ۲) یا به نحو مطلوبی به اجرا در نیامده‌اند (رضائی راد، ۱۳۸۴، ۷۳-۱۰۰) و تجربه تاریخی ثابت کرده است که اگر برای اجرای این دو راهکار، برنامه‌ها و تمهیدات لازم پیش بینی نشود همین دو فریضه که ضمانت اجرای سایر احکامند، خود نیز به فراموشی سپرده شده یا حتی نتیجه معکوس داده و در مقابل اهداف دین ایفای نقش می‌کنند. (رضائی راد، ۱۳۸۹، ۱۰۹-۱۳۴)

۲- بیان مسئله

مسئله‌ای که این تحقیق در صدد اثبات آن است این است که در جوامع پیچیده و بزرگ امروز نمی‌توان اجرای شریعت و امر به معروف و نهی از منکر را صرفاً به روش فردی و اعمال پراکنده افراد تحقق بخشید و این دو فریضه عظیم و چند لایه را به فرایض عبادی دیگری چون نماز و روزه تشبیه کرد و با نگرش فرد گرایانه‌ای که تنها در جوامع ساده و کوچک گذشته قابل اجراست به آن‌ها نگرست و اهداف آن‌ها جز با اجرای تشکیلاتی و مدیریت و سازماندهی قابلیت دستیابی ندارد یا در حد بسیار ناچیزی قابل دستیابی است و ژرفنگری در ادله نقلی و عقلی این دو فریضه و نیز تجربه‌های تاریخی اجرای این دو اصل بر این مطلب صحه می‌گذارد

مقصود گوینده، نفی ضرورت روش انفرادی در کنار روش سازمانی نیست لیکن حتی در صورت قبول روش انفرادی انسجام بخشی و هدفمندسازی و پیشگیری از برخوردهای سلیقه‌ای و جاهلانه اجتناب ناپذیر است و این جا است که روش انفرادی نیز به روش سازمانی نزدیک میشود.

همچنین شایان ذکر است که روش سازمانی لزوماً به معنای دولتی شدن نیست و روش دولتی از آفات بسیاری رنج می‌برد بلکه مقصود رئیسی است که با استفاده از کار گروهی و منسجم و همدند به فعالیت می‌پردازد و بی شک کار گروهی و منسجم در قیاس با کار انفرادی موفق تر کار آمدتر واز خطا و انحراف در امان تر خواهد بود.

این تحقیق می‌کوشد تا به این سوال پاسخ دهد که چه راهکارهای علمی را می‌توان با بهره‌گیری از مفاهیم نو ظهوری که در علوم اجتماعی مطرح است مانند سازمان و مدیریت سازمانی برای اجرای این دو فریضه طراحی کرد؟ و اهداف این دو فریضه با کدام روش سازمانی و اجرای تشکیلاتی تا چه اندازه دست یافتنی است و این شیوه در قیاس با روش انفرادی و غیر سازمانی تا چه میزان نتیجه بخش است و بر موازین شرعی و ادله فقهی قابل تطبیق است؟

۳- پیشینه تحقیق

در جامعه شناسی امروزی مبحث کنترل اجتماعی^۱ یا نظارت همگانی از مباحث رایج در جامعه شناسی است و تحت دو عنوان رسمی و غیر رسمی مطرح می‌شود و مولفین متعددی در این زمینه قلم زده‌اند مانند کوئن در کتاب جامعه شناسی و گولد و کولب و آلبر و کرومبی و پیر و آلن، اما تطبیق مباحث جامعه شناختی این موضوع با مبانی دینی و تلاش در استفاده از مطالعات جامعه شناختی در کشف راهکارهای نوین اجرای امر به معروف در آثار دیگر سابقه ندارد و می‌تواند از نوآوری‌های این تحقیق بشمار آید. در آثار فقهی شیعه مبحث امر به معروف و نهی از منکر، گاه، تحت همین عنوان (برای نمونه ببین شهید ثانی، بی‌تا، ج ۲، امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲، مبحث امر به معروف و نهی از منکر) و گاه، تحت عنوان حسبه (برای نمونه ببین شهید اول، ۱۴۱۲، ۲، ۴۷، الجزائری، بی‌تا، ۴۱، فیض کاشانی، ۱۳۷۰، ۲، ۴۲، گلپایگانی، ۱۴۱۴، ۱، ۵۱۴) کم و بیش، مورد توجه بوده اما نگرش سازمانی و گروهی به این وظیفه مطلقاً مطرح نبوده و صرفاً به عنوان یک وظیفه فردی مانند نماز و روزه به آن نظر افتاده و احکام براین اساس بنا نهاده شده است و تنها در یکی از مسایل تحریر الوسیله امام خمینی می‌توان اشاره‌ای به این مطلب یافت؛ آن جا که می‌فرماید هرگاه انجام این وظیفه، توسط یک فرد، میسر نبود و نیاز به کمک دیگران داشت وظیفه ساقط نیست و فرد، موظف است از دیگران کمک بگیرد و دیگران نیز موظفند به او کمک کنند. گرچه معلوم است که مولف این اثر ارجمند به تفکر سازمانی و آن چه در علوم اجتماعی امروز از سازمان مورد نظر است نظر ندارد اما همین اشاره مختصر می‌تواند سنگ نخستین نظریه امر به معروف سازمانی و تاییدی بر آن باشد.

در منابع اهل سنت مبانی امر به معروف در کتب اعتقادی مطرح شده و این فریضه به عنوان یکی از اصول مورد بحث قرار گرفته (الجوینی، ۱۳۶۹، ۳۶۸، تفتارانی، ۱۴۰۹، ۵، ۱۷۲، الجرجانی، ۱۳۲۰، ۷، ۳۷۴، بنی‌حسینی، ۱۳۷۲، ۱، ۴۴۵ - ۴۴۶) اما احکام و فروع فقهی آن که بیش تر به بحث امر به معروف دولتی اختصاص داشته است. در آثار فقهی اهل سنت، با عنوان "حسبه" یا "احتساب" به عنوان زیر شاخه‌ای از مبحث "احکام سلطانیه" مطرح شده است، برای نمونه ببین (برای نمونه ببین بصری ماوردی، احکام السلطانیه بخش حسبه و ابن اخوه، معالم القربه فی احکام الحسبه) اما در این آثار نیز به معنای دقیق کلمه تفکر سازمانی در اجرای این وظیفه مطرح نظر نبوده و نهاد حسبه که به ظاهر، عهده دار اجرای امر به معروف و نهی از منکر بوده صرفاً به عنوان نهادی حکومتی و بازوی اجرایی حکومت مطرح بوده و به پیامدها و آفات دولتی شدن این دو فریضه و تجربه‌های بسیار ناگوار دولتی شدن این دو فریضه نظر نیافکنده‌اند.

۴- معرفی روش سازمانی

امروزه در جامعه شناسی، مقصود از سازمان‌های رسمی گروه‌هایی از افراد هستند که برای دستیابی به هدفی مشخص کوشش‌هایشان را سازماندهی و منسجم می‌کنند. سازمان‌های رسمی معمولاً بزرگ هستند و با قواعد و سلسله مراتبی مشخص و برخوردار از اقتدار و مسئولیت می‌باشند اما سازمان‌های غیررسمی عموماً کوچک هستند و هدف‌های مشخصی ندارند و یا از روی یک رشته قواعد و عملکردهای دقیق و حساب شده‌ای کار نمی‌کنند. (بروس کوئن، ۱۳۹۵، ۳۰۳)

تالکوت پارسونز، در کتاب ساختار و فرایند در جوامع مدرن، می‌گوید: سازمان، واحدی اجتماعی است که عامدانه ساخته و بازسازی شود تا حصول به اهدافی مشخص، ممکن شود. بر این اساس می‌توان گفت: سازمان، یک نهاد مستقل است که یک مأموریت خاص دارد و می‌تواند با نیت انتفاعی یا غیرانتفاعی تأسیس شده باشد. یک سازمان، یک ماهیت اجتماعی است که دارای ساختار، اهداف و رمز مشخصی است. و همین مطلب است که مسئله‌ی این تحقیق را آشکارتر می‌سازد و ضرورت هدفمند سازی و انسجام بخشی به امر به معروف و نظارت بر فعالیت‌های پراکنده و سلیقه‌ای و عوامانه و اصلاح آن‌ها را در قالب یک سازمان و با مدیریت سازمانی نشان می‌دهد.

¹ social control

فردیناند تونیس، جوامع را به لحاظ شاکله جوامع از نظر پایه های روابط و مناسبات بین افراد و ساختارهای جامعه دو گونه دانسته اند: جوامع سنتی و تشکل یافته در محیط‌های کوچک در قالب دهکده و روستا که در این جوامع افراد یکدیگر را می‌شناسند و رابطه صمیمی و عاطفی بین آن‌ها رواج دارد و در چنین جوامعی کنترل های اجتماعی در بیش تر موارد غیر رسمی و مبتنی بر شرم و حیاست افراد پشتوانه عاطفی و مالی و جانی هم بوده و در سلسله مراتب سنتی، حریم افراد پاس داشته می‌شود. در مقابل، جوامعی وجود دارند که درگستره وسیع تر، در قالب شهر و بزرگ تر از آن شکل می‌یابند؛ در این جوامع روابط، مبتنی بر عقلانیت و حساب گری و غیر عاطفی است و ضوابط و قوانین رسمی کنترل کننده است. (خیری، ۱۳۹۴، ۲۴۳)

ساختار متفاوت جوامع، مستلزم تفاوت در اقدام است. در جامعه دارای تعلقات اجتماعی قومی و قبیله‌ای ملتزم سازی افراد با بهره گیری از کنترل های غیر رسمی و اقتدار برخی افراد قابل تحقق است؛ در حالی که در جوامع امروزی تعلقات قومی عشیره‌ای کاهش یافته وساحت گزینش گری افراد افزایش یافته است. بنابراین اثربخشی کنترل های غیر رسمی کاهش یافته و کم تر می توان با بهره‌گیری از امور اخلاقی، اصلاح رفتاری ایجاد کرد. ولی نقش کنترل های رسمی سازمانی و تعلقات تشکیلاتی و حزبی و سازمان های مردم نهاد افزایش یافته است. (همان، ۲۴۷)

در جوامع اسلامی نیز این تحول ساختاری قابل مشاهده است و بر این اساس، روش اجرای امر به معروف نیز به موازات تغییر ساختار جامعه از سنتی به پیچیده از روش انفرادی به روش سازمانی و گروهی و قانون مدار تبدیل می شود با بررسی دقیق آثار تاریخی می توان رد پاهایی از حسیه سازمانی را در لابلای تاریخ جوامع اسلامی مشاهده کرد هرچند حتی در این موارد نیز حسیه به معنای دقیق کلمه به عنوان یک سازمان اجتماعی آن چنان که در علوم اجتماعی امروز بحث می شود نمی‌توان مطرح کرد اما شاید به عنوان یک الگوی ساده از حسیه سازمانی قابل بررسی تاریخی باشد.

گروهی که عهده دار این عمل بود به «حسبه» معروف بود و کسانی که در این گروه مأمور اجرای امر به معروف و نهی از منکر بودند «محتسب» نامیده می شدند. (ابن خلدون، ۱۳۵۲، ۲۲۶) هر چند کاربرد «حسبه» و «محتسب» به معنای اعم آن (که شامل کسانی که داوطلبانه به این وظیفه اقدام می‌کنند نیز می‌شود) هم قابل انکار نیست ولی کاربرد آن به معنای سازمانی که عهده دار این کار بوده هم قطعی و مسلم است. (بصری، ۱۹۰۸، ۲)

زمان تأسیس اولین سازمان حسیه هم دقیقاً روشن نیست و در این مورد، نظرهای متفاوتی ارایه شده است (بادکوبه، ۱۳۷۶، ۲۵، ۱) بعضی از مؤلفان تا هفت نظریه را در این زمینه مورد بحث قرار داده‌اند (ر.ک. صرامی، ۱۳۷۷، ۲۸۹، سری، ۱۳۷۸، ۱۵۱، ۱) بادکوبه، ۱۳۷۶، ۲۵، ۳۰- ۱۱۵ و ۱۲۰- و میانجی، ۱۳۶۳، ۱) اما آن چه که درست تر به نظر می‌رسد این است که در کشورهای اسلامی نخستین بار این سازمان، در زمان «مهدی» خلیفه سوم عباسی (۱۵۹ق، ۷۷۵م) به وجود آمد. (ابراهیم حسن، ۱۳۷۰، ۴۹۸، و ابن خلدون، ۱۳۵۲، ۲۲۶ و الشیخلی، ۱۳۶۲، ۱۱۷، و صرامی، ۱۳۷۷، ۴۶، و علی، ۱۳۵۲، ۳۶۱ و نیز مراجعه شود به یعقوبی، ۱۳۷۷، ۳، هر چند تأسیس این سازمان در عهد امویان در شهر «واسط» هم گزارش شده است. (میانجی، ۱۳۶۳، ۱۰ و الشیخلی، ۱۳۶۲، ۱۲۰)

در این روش، وظیفه نظارت اجتماعی یا امر به معروف توسط گروهی منسجم و با مسئولی مشخص و سلسله مراتب معین به ایفای این وظیفه می پردازند و چنین نیست که تک تک افراد جامعه بدون اخذ مجوز از سوی کسی یا مقامی و به عنوان یک وظیفه شخصی مانند نماز و روزه عهده دار این فریضه باشد. (رضائی راد، ۱۳۹۰، ۱۴۵- تا ۱۶۶)

توسعه تدریجی سرزمین های اسلامی و پیچیده تر شدن مسایل اجتماعی و عوارض ناشی از اجرای انفرادی فریضه امر به معروف که جامعه اسلامی را متقاعد کرد که اجرای این وظیفه خطیر، بدون اتحاد و تشکیلات میسر نمی‌گردد و لذا به فکر جلب همکاران و دستیارانی افتادند. (الشیخلی، ۱۳۶۲، ۱۲۰ و بادکوبه، ۱۳۷۶، ۱۵۰)

«سازمان اداری شهرهای اسلامی دو گروه بود یکی سازمان وابسته به حکومت مرکزی و متشکل از سپاهیان و دبیران و مأموران مالی که معمولاً از مردم شهر نبودند و دیگری سازمان وابسته به مردم بومی بود و از رئیس و عالمان دینی و احياناً قاضیان

و اعضای خاندان های برجسته شهر شکل می گرفت و محتسبان معمولاً از گروه اخیر انتخاب می شدند تا با آشنایی از وضعیت شهر و بازار وظیفه خود را به درستی انجام دهند « (بادکوبه، ۱۳۷۶، ۶۴)

آن بخش از سازمان حسبه که مردمی بود و غیر وابسته به دولت و سلطان بود، منصبی دینی و زیر نظر خلیفه و از نوع منصب قضاوت بود گرچه خلیفه نیز می تواند بخشی از حکومت به معنای اعم آن به حساب آید اما منصبی بود که کمتر وجهه اجرایی داشت و بیشتر از آن که مقامی حکومتی باشد شخصیتی دینی داشت و نقشی مشابه نقش رهبر در ایران را ایفا می کرد حسبه و در بعضی از دوره ها توسط قاضی رهبری می شد. (لقبال، ۱۹۷۱، ۳۰ - ۳۱) در بعضی از دوره ها مستقیماً زیر نظر خلیفه عمل می کرد اما با این وجود حتی حق امر به معروف نسبت به خلیفه را نیز داشت. (بیانی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۵۴؛ ابن کثیر، بی- تا، ج ۱، ص ۱۹۴). (المقریزی، ۸۵۶، ۴۶۳ و ۴۶۴ و ابن خلدون، ۱۳۵۲، ۲۲۶ به بعد؛ Bearman، ۲۰۱۷، ذیل واژه حسبه؛ ابراهیم، ۱۳۷۰، ۴۳۶) در حقیقت می توان گفت که «حسبه» بخشی از وظایف منصب قضا بود که به دلیل اشتغالات زیاد قاضی به دایره مجزایی محول می شد. این دایره مجزا، بعدها گسترش یافته و از قاضی مستقل می شود (ابن خلدون، ۱۳۵۲، ۲۲، بصری، ۱۴۰۶، ۷۱ - ۷۲) و زیر نظر سلطان یا وزیر قرار گرفته و ریاست آن توسط یکی از این دو تعیین می گردد ولی این اتفاق در عهد عباسیان ندرتاً رخ می دهد (بادکوبه، ۱۳۷۶، ۱۲۹).

موارد ذکر شده در اکثریت منبع های تاریخی بیش تر ناظر به زمان هایی است که خلافت اسلامی بر روی کار بوده و حکومت -ها و حداقل به ظاهر خود را مقید به اسلام و دستورات اسلامی می دانستند با این وجود حتی در مقاطعی که حکومت های منسوب به اسلام هم منقرض می شوند سازمان حسبه، کم و بیش به حیات خود ادامه می دهد

۳- دلایل موید روش سازمانی

با آن که این روش به دلیل مشکلات و موانع عملی و اجرایی نتوانست آن چنان که باید و شاید به حیات خود ادامه دهد و هم ترین این اشکالات تداخل کاری این نهاد با وظایف و اختیارات حکومت ها بود که باعث عدم حمایت دولت ها و بعضاً مزاحمت و مبارزه با این نهاد می شد. و ما در آثار دیگر خود به این مشکلات اشاره کرده ایم یا خواهیم کرد اما روش سازمانی می تواند به عنوان بهترین روش از روش هایی باشد که در طول تاریخ برای اجرای شریعت و امر به معروف و نهی از منکر به کار گرفته شده است. و این مطلب با دلایل زیر قابل اثبات است.

۵.۱. معنای «مِن» و مفهوم «أُمَّه» .

آیه شریفه « وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّه يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ الْخ » (قران کریم، آل عمران، آیه ۱۰۴) یکی از دلایل وجوب امر به معروف است و برای وجوب کفایی آن نیز مورد استناد قرار می گیرد .

کسانی که این آیه را برای کفائی بودن وجوب امر به معروف مورد استناد قرار داده اند « من » را تبعیضیه گرفته (زمخشری، بی تا، ۱، ۳۹۶ و نیز ر.ک. مبحث امر به معروف و سایر منابع فقهی و تفسیری. ر.ک. نجفی، ۱۳۶۷، ۲۱) و چنین معنی کرده اند که باید تعدادی از شما متصدی این وظیفه باشند و امر به معروف و نهی از منکر را به اجرا در آورند. براساس قواعد عربی معنای «مِن»، منحصر در معنای تبعیضیه نیست و یکی دیگر از معنای «مِن» ابتدای غایت است مانند ذهبت من المکه الی الکوفه که در این معنا «من» ابتدای یک مسیر را بیان می کند و می توان در آیه « و لتکن منکم ... » احتمال معنای ابتدای غایت را راجح دانست و در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود که باید گروهی که از جانب و سمت شما حرکت کرده باشند وجود داشته باشد که امر به معروف کنند و این تعبیر و سیاق می تواند کنایه از داشتن اذن از سوی جامعه و ملت باشد.

مولف، منکر این مطلب نیست که «من» در لغت عرب معنای دیگر نیز دارد و احتمال معنای جنسیت نیز می توان داد مانند آن چه در آیه شریفه «...فیکم رسولا منکم» (بقره، آیه ۱۵۱) است در این آیه من به معنای جنسیت است مانند؛

«خَاتَمٍ مِنْ فَضِهِ»، انگشتی از جنس نقره و مقصود آن است که رسول از جنس شما است بر این اساس است که از آن آیه نمی‌توان برداشت کرد که رسالت نیاز به اذن از جانب مردم دارد اما بر اساس قواعد عربی «من» معانی دیگر نیز دارد و یکی از آن‌ها معنای ابتدای غایت است.

گرچه مولف، منکر احتمالات دیگر نیست در معنای من نیست اما قرینه به کار رفتن کلمه «امت» به جای «جماعت» می‌تواند احتمال این معنا را تقویت کند همچنان که پس از این نیز توضیح داده خواهد شد. دقت در معنای امت و تفاوت آن با ملت و جماعت می‌تواند در تقویت و تایید این استدلال مفید باشد قرآن کریم کلام الهی و معجزه بلاغت است و انتخاب هر کلمه نمی‌تواند بدون حکمت و غرض و مقصود مشخصی باشد و بار معنایی امت بر اساس تحقیقات محققین با جماعت و ملت متفاوت است. و امت بخلاف مفهوم ملت و جماعت که صرفاً بیان گر تعداد هستند و پیوند ارتباطی آن‌ها و مکان واحد یا حاکمیت واحد است. (رشید رضا، ۴، ۳۶، ۱۴۲۲ و ۳۷) امت گروهی از انسان‌ها هستند که یک عقیده و شیوه-ی زندگی واحد آن‌ها را به هم پیوند داده است و دارا بودن امام و رهبر نیز است. (جوان آراسته، ۱۵، ۱۳۷۹ و نیزر.ک. شریعتی، ۲۵، ۱۳۷۸ و نیز قرشی، ۱، ۱۳۵۲، ۱۱۸) و به قول رشید رضا جماعت، افرادی هستند که با همدیگر و با سایر افراد دیگر جامعه ممکن است ارتباطی نداشته باشند اما امت نسبت به سایر اعضای جامعه مثل اعضای بدن هستند و به عنوان نماینده عموم مردم اقدام می‌کنند و لذا امتی که متصدی امر به معروف می‌شود امتی صغیره است که نماینده و برگزیده امت کبیره است. (رشید رضا، ۱، ۱۴۲۲، ۳۶ و ۳۷) و امت کبیره با انتخاب امت صغیره سهم خود را در ایفای این وظیفه انجام می‌دهد و سایر امور را به این امت صغیره محول می‌کند و البته این امت صغیره تحت نظارت امت کبیره است و در صورت تخلف از وظیفه بار دیگر انتخاب نشده و یا عزل می‌شود و بدین سان این دو امت با هم به تعامل و تضامن می‌پردازند. (رشید رضا، ۴۷، ۱۴۲۲)

رشید رضا، ضمن تشبیه امت صغیره به مجالس نمایندگان در کشور های دموکراتیک تاکید می‌ورزد که باید همه قوای کشور تابع این امت صغیره باشند و بازوهای اجرائی آن گردند و این گروه ضمن ارائه قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها وظیفه خطیر امر به معروف را به اجرا می‌رساند. (رشید رضا، ۴۶، ۱۴۲۲)

با این پیش فرض، انتخاب کلمه امت برای گروهی که اجرای امر به معروف را به عهده دارند می‌تواند اشاره به گروهی هم سو و هماهنگ و همفکر باشد که با هدف و برنامه معین و هماهنگ به انجام کاری اقدام می‌کند نه به صورت پراکنده و ناهماهنگ و سلیقه‌ای و شخصی و اگر چنین معنایی مدنظر باشد به معنای امروزی سازمان و آن چه مدنظر مولف است نزدیک‌تر می‌شود.

۵.۲. نیازمندی به قدرت و تمکن

اگر بنا است امر به معروف در همه زمینه‌ها به اجرا در آید و در حد امور جزئی و سطحی، منحصر نباشد بی شک به قدرت و امکانات کافی نیازمند است زیرا برای مبارزه با منکرات پیچیده و تشکیلاتی از جمله مبارزه با ظلم ظالمان و حیل‌های سیاستمداران ناصالح، امر به معروف بدون تشکیلات قوی و منسجم کاری از پیش نمی‌برد.

در قرآن کریم نیز انجام امر به معروف به داشتن مکنت مشروط گردیده است (الَّذِينَ إِنَّا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) (قرآن کریم، حج، آیه ۴۱) و ما می‌دانیم که در صورت اجرای انفرادی این وظیفه مکنت و قدرت به حداقل می‌رسد و تنها با اتحاد و تشکیلات و تعاون است که مکنت به معنای حقیقی کلمه به وجود آید (ز اتحاد جمع نیروشان هویدا می‌شود) و به تعبیر خود قرآن در آیه‌ای دیگر، برّ و تقوا را باید با تعاون به انجام رساند (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) (مائده، آیه ۲) و لذا با جمع میان این دو آیه می‌توان فهمید که تنها در

صورتی وظیفه امر به معروف انجام می‌شود که تعاون و کار گروهی و سازمانی و تشکیلات وجود داشته باشد و در غیر این صورت به دلیل عدم مکنّت و توان کافی این وظیفه ساقط شده یا بی‌نتیجه می‌ماند^۲

ممکن است کسی در مقام اشکال به این دلیل بگوید که این معیار، قابل تسری به سایر مصادیق برّ و تقوا از جمله نماز و زکات نیز هست و بنابراین استدلال باید گفت که نماز و زکات نیز باید به روش تشکیلاتی به انجام رسد. در پاسخ می‌توان گفت اگر مقصود از آیه اول پرداخت شخصی زکات یا برگزاری شخصی نماز باشد شاید اشکال مستشکل وارد باشد و بتوان با آن بر استدلال مولف خرده گرفت اما اگر آیه را نه به معنای انجام فریضه ی نماز و ادای زکات، بلکه به معنای اقامه و برقراری و ترویج و نهادینه کردن آن در جامعه تفسیر کنیم بر استدلال مولف خدشه ای وارد نمی‌آید زیرا اگر ادعا شود که برای اقامه و نهادینه کردن نماز و زکات در جامعه هم تشکیلات و سازمان بهترین گزینه است و بدون وجود تشکیلات و سازمان اقامه و احیای این دو فریضه مهم در جامعه غیرممکن یا بسیار دشوار خواهد شد و سیاق آیه گواه است که مقصود اقامه و برقرار کردن است نه صرفاً ادای فردی و انجام وظیفه ی شخصی زیرا آن را مشروط به مکنّت کرده است، در حالی که ادای فریضه نماز به مکنّت نیازی ندارد و بر همه اقشار جامعه واجب است و حتی بعید نیست اگر ادعا شود که اقامه نماز و زکات هم وظیفه‌ی همه‌ی افراد نباشد و اختصاص به گروهی منسجم آموز دیده و ماذون باشد و به قول رشید رضا وقتی ظالمی ظلم می‌کند و به وظیفه خود که مشورت است عمل نمی‌کند و دیکتاتوری را حاکم می‌کند باید گروهی باشند که او را به مشورت که معروف است امر کنند و چنین امر به معروفی، مستلزم درگیری با ظالمان خود مختار است و برای راست کردن کجی های حاکم از فرد کاری ساخته نیست و گروهی منسجم و متحد لازم است زیرا گروه است که شکست دادنش آسان نیست (رشید رضا، ۱۴۱۲، ۴۴ - ۴۵) و به قول علامه طباطبایی «آیه یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا» گواه تفکر اجتماعی اسلام است زیرا صبر و ایمان را در ضمن رابطه و ارتباط متقابل از ما می‌خواهند و به ما می‌فهماند که از فرد کاری ساخته نیست. (ر.ک. طباطبائی، بی‌تا، «المیزان» ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا»، ۴، ۱۳۳؛ نیز ر.ک. قرشی، ۱۳۵۲، ۴۷، ۳؛ مطهری، بی‌تا، ۶۸)

عمومات تعاون و نظم نیز می‌تواند اثبات کننده روش گروهی و دلایلی آشکار بر ضرورت کاربرد تشکیلات و سازمان برای اجرای این وظیفه مهم و مؤید صغرای قیاس مذکور باشد مانند آیه شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» و آیات منع از

۲. این استدلال را می‌توان به صورت یک قیاس شکل اول به شرح زیر بیان کرد:

صغری: امر به معروف در صورت تمکن واجب است (و در غیر این صورت واجب نیست)

کبری: بر و تقوی باید با تعاون باشد (و در غیر این صورت ممکن نیست)

نتیجه: امر به معروف در صورت تعاون واجب است (در صورت عدم تعاون واجب نیست)

و به عبارت دیگر:

صغری: وجوب حسب مشروط به تمکن است.

کبری: تمکن مشروط به تعاون است.

نتیجه: وجوب حسب مشروط به تعاون است.

ناگفته نماند صرف نظر از این قیاس شکل اول و بدون نیاز به ساختن چنین برهانی صرفاً با استناد به آیه تعاونوا هم می‌توانیم وجوب سازمان را برای امر به معروف استنباط کنیم زیرا حسب مصادق «بر» است و در این آیه امر به تعاون بر کارهای بر شده است و اگر امر را به معنای وجوب بدانیم معنای آیه وجوب تشکیل سازمان و گروه برای انجام امور خیر از جمله حسب است مگر آنکه مستشکلی در این مسئله شک کند و بگوید تعاون منحصر در سازمان و تشکیلات نیست بلکه تعاون به معنای عرفی و معمولی آن از قبیل کمک های مالی و زبانی مانند آن مورد نظر است نه معنای اخص و دقیق آن. که در این صورت هم جواز تشکیلات و سازمان منتفی نمی‌گردد و اگر تشکیلات تنها مصادق مجاز تعاون نباشد لاقلاً یکی از بهترین مصادیق آن است.

اختلاف و تشتت و نیز احادیثی چون وصیتنامه امام علی مبنی توصیه به نظم در امور آن جا که می فرماید: «اللهُ اللهُ فی نظمِ امرِکم...»

۵.۳. نیازمندی به صلاحیت های علمی

همچنان که در بخش های پیشین بیان شد وظیفه امر به معروف دارای پیچیدگی های فراوانی است و ادای آن به صلاحیت های بسیاری بخصوص صلاحیت های علمی نیازمند است (در منابع بسیاری سخنانی به این مضمون گفته شده است مثلاً رجوع شود به رشید رضا، ۱۴۱۲، ۴، ۳۸-۴۰؛ الامینی، ۱۳۹۷، ۴، ۹۱؛ ماوردی، ۲۰۹، ۱۹۰۸؛ بادکوبه، ۱۳۷۶، ۱۲۷ و ۱۲۶) آن هم در حدی که نه تنها خارج از توان افراد عادی است (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳، ۱، ۱۶؛ رشید رضا، ۱۴۱۲، ۴، ۲۷) بلکه گاه از توان یک مجتهد جامع الشرایط هم بیرون است و اکثر علمایی که در این موضوع قلم زده اند از ذکر این مطلب فروگذار نکرده و به این بعد از مساله اشاره های مؤکدانه آورده اند. (برای مثال می توان به منابع زیر مراجعه کرد: سروش، ۱۳۸۱، ۲۷۵-۲۷۸؛ همایون، ۱۳۷۴، ۵۹-۶۱؛ مطهری، بی تا، ۷۲ و ۱۶۷ و ۷۰؛ شریعتی، ۱۳۷۸، ۵۲ و ۵۵ و ۵۶)

اگر تصدی سایر ولایت ها به داشتن فقاقت مشروط نباشد و ولایت فقیه در آن ها به اثبات نرسیده باشد ولی ولایت فقیه در امور حسبیه از قطعیات است و این بدان معنا است که اگر هم کسان دیگر در امور حسبیه ولایت داشته باشند فقها به طریق اولی دارند (نائینی، بی تا، ۹۸) و لذا هر چیزی که مصداقی از مصادیق حسبه باشد وظیفه ای از وظایف فقیه است (ر.ک. نراقی، ۱۳۸۳؛ یعقوبی، ۱۳۷۷، ۶) و دیگران برای تصدی آن امور به اذن فقیه نیازمندند (همان؛ یعقوبی، ۱۳۷۷، ۸ به نقل از میرزا جواد تبریزی) و کسی که فقیه نیست حق ندارد بدون اذن فقیه به این گونه کارها اقدام کند (همان) و این مطلب خود می تواند دلیلی باشد بر این که انجام فردی و شخصی این وظیفه با موازین شرعی ناسازگار است. ممکن است کسی در مقام اشکال به این دلیل بگوید مشروط کردن ادای فریضه امر به معروف به اذن فقیه لزوماً به معنای تشکیلاتی و گروهی بودن این فریضه نیست بلکه می توان استیذان از فقیه را در اجرای فردی این دو فریضه نیز تصور کرد و پذیرش این اشکال، کلیت این استدلال مخدوش می شود و (اذا ورد الاحتمال بطل الاستدلال) اما در پاسخ می توان گفت که صرف استیذان ملازمه با سازمانی شدن و تشکیلاتی بودن دارد زیرا استیذان از فقیه به معنای قبول مرکزیت و محوریت فقیه در فعالیت های اجتماعی از جمله امر به معروف است و قبول امامت و محوریت چیزی جز قبول یک نظام و سازمان نیست و رکن اصلی هر سازمان، رهبری و نظام مندی آن است و طبیعی است که با قبول این حق برای فقیه در حقیقت همه فعالیت ها بر محور فقیه، سازمان می گیرد و هماهنگ و هدفمند می شود و حتی اگر فقیه، حاکم سیاسی نباشد و از نظم و تشکیلات حکومتی هم برخوردار نباشد باز هم استیذان از فقیه اگر به صورت قاعده ای عام درآید و همه خود را ملزم به آن بدانند نتیجه اش سازمانی شدن و ایجاد تشکیلات بر محور فقه و فقاقت خواهد بود. و آن چه شرع می پسندد تصدی جمعی و تشکیلاتی آن با نظارت فقیه است و بدین سان همه ادله اثبات ولایت فقیه و حکومت اسلامی ادله اثبات روش گروهی نیز خواهد بود و هر کس به قدر متیقن ولایت فقیه که ولایت در امور حسبیه می باشد معتقد باشد به اجرای سازمانی این وظیفه نیز معتقد می گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۶، ۱)

۶. نقاط قوت روش سازمانی

شاید وجود چنین دلایلی، مبتنی بر چنین ضرورت هائی بود که جوامع اسلامی نخستین در عهد خلفای عباسی را متقاعد ساخت که اجرای این وظیفه خطیر بدون تشکیلات و سازمان دهی مسیر نمی گردد و باید آمرین به معروف و

ناهیان از منکر به فکر جلب همکاران و باشند (الشیخلی، ۱۲۰، ۱۳۶۲؛ بادکوبه، ۱۵، ۱۳۷۶) و بدین سان سازمانی تحت عنوان "حسبه" برای اجرای گروهی و تشکیلاتی این دو فریضه تشکیل گردیده است (ابراهیم، ۴۹۸، ۱۳۷۰، صرامی، ۱۳۷۷، ۴۶؛ علی، ۱۳۵۲، ۳۶۱ و میانجی، ۱۰، ۱۳۶۳).

این سازمان که می توان آن را ابتکار جوامع اسلامی و مبنای نظری آن را فریضه امر به معروف و نهی از منکر دانست تا چندین قرن در جوامع اسلامی وجود داشته و به حیات خود ادامه می داده است (ساکت، ۳۷۰، ۱۳۶۵ به بعد) با بررسی تاریخی، به طور پراکنده در آثار تاریخی می توان بخش هایی از فعالیت این سازمان و روش های کاری آن را شناسایی کرد (برای نمونه ر.ک قلقشندی، بی تا، ۴۵۲، ۵؛ ۴۸۳، ۳؛ متز، ۱۳۷۸، ۲۰، ۲۸۱، ۲۰؛ ماجد، ۱۰، ۱۷۲، ۱۹۷۲) هر چند فعالیت های این سازمان خالی از ضعف و نقصان نبوده و بررسی این نواقص تحقیق مستقلی را می طلبد اما نقاط قوت بسیاری نیز در این روش موجود بوده که به بعضی از آن ها به عنوان مؤید دلایل ارائه شده در ضرورتش اشاره می کنیم.

۱.۶.۱. نداشتن مشکلات روش انفرادی

یکی از نقاط قوت این روش، که شاید همین نقطه قوت، عامل اصلی بوجود آمدن این روش باشد این است که آفات روش انفرادی را ندارد و آن نقاط ضعفی که برای روش انفرادی بیان شده است و ما در آثار دیگر مان به آنها اشاره کرده ایم، مانند عوامزدگی و بی نظمی و اختلال نظام و تاثیرگذاری محدود و مانند آن (رضایی راد، ۸۶، ۱۳۸۶-۶۳) در این روش تا اندازه زیادی بر طرف می شود زیرا با توجه به سازمانی و تشکیلاتی بودن آن، بی نظمی و هرج و مرج کمتر می شود و کسانی که بدون برنامه و اذن و بدون هماهنگی وارد این عمل شوند قابل شناسایی خواهند بود و در صورت نادرستی روش آن ها و در صورت عدم هماهنگی آن ها با سایر گروه ها خود به خود از صحنه حذف و منزوی می گردند.

می گویند یکی از علت های شکست و انقراض خوارج این بود که در امر به معروف پیرو منطق نبودند و بدون توجه به روش های منطقی چه در موقع مناسب و چه در موقع نامناسب به امر به معروف می پرداختند و گاهی به طور صریح و با لحن تند، حکام جائز را نهی از منکر می کردند و او هم بلافاصله دستور قتل آن ها را صادر می کرد. (مطهری، ۱۳۶۸، ۱، ۱۹۱) گرچه نبودن عقلانیت در هر امری از جمله اجرای امر به معروف لزوماً در روش انفرادی نیست و ممکن است جهالت ها و روش های جاهلانه در روش ها گروهی و سازمانی نیز وجود داشته باشد اما این جهالت ها و افراط و تفریط ها بی شک در روش انفرادی و متفرقه بیشتر و غیر قابل کنترل خواهد بود زیرا سازمان بنا به ذات خود نظام مند، هدفمدار و دارای روش و برنامه است و با فکر جمعی و مشاور گروهی اداره می شود و در جمع و شورا خطاها کاهش یافته و برنامه ها تبیین و طراحی می شود و قابل شناسایی و نقد و اصلاح می شود. اما در روش های پراکنده و انفرادی سلیقه ها و نظرهای شخصی اجرای این دو فریضه را غیر قابل پیش بینی و مهار ناپذیر می سازد.

صرف نظر از نظامندی نقدپذیری و هدفمندی روش سازمانی اقتدار و توان اجرایی نیز در این روش افزایش می یابد تردیدی نیست اگر حاکم ظالم توسط گروه های منسجم و تشکیلاتی مورد انتقاد قرار گیرد موثرتر واقع خواهد شد و امکان سرکوبی و آزار منتقدان به شکل محسوسی کاهش خواهد یافت و به قول رشید رضا یک فرد کار آسانی است اما شکست دادن یک گروه کار آسانی نیست. (رشید رضا، ۴۰، ۴۵، ۱۴۱۲-۴۴)

شاید به سبب چنین آشفتگی ها و خشونت هایی است که بعضی از علمای اهل سنت در صدد ذکر محدودیت های فراوان برای امر به معروف بر می آیند و می کوشند آن را به دوشیک گروه و سازمان بگذارند. (لمبتون، ۱۳۸۰، ۷۵)

به دلیل وجود تشکیلات و امکان توسعه این سازمان و جذب و آموزش افراد مستعد و علاقه‌مند مشکل تخصیص اکثر نیز مرتفع می‌گردد و این، مشابه همان روشی است که احزاب سیاسی یا سازمانهای مردمی مسلح به کار می‌گیرند و به تربیت نیرو می‌پردازند.

از همه این موارد که بگذریم مسئله مهم‌تر این است که در این روش دایره تاثیر عمل بسیار زیاد است زیرا همچنان که پیش از این نیز گفته شد امر به معروف در بسیاری از موارد به عده و عده نیاز دارد و بدون وجود نیروی انسانی کافی و تجهیزات لازم به نتیجه نمی‌رسد و از آنجا که در این روش امر به معروف توسط یک سازمان منسجم و به صورت کار گروهی و با برنامه ریزی انجام می‌شود، از امکانات و نیروی انسانی به بهترین روش استفاده می‌شود و قطره‌های به هم پیوسته دریا می‌شود و لذا تاثیر عمل بالا می‌رود و دست ظالمان و فاعلان منکر و حامیان آنان از این که به راحتی به نابودی و سرکوبی آمران به معروف بپردازند بسته می‌گردد و به قول رشید رضا، الامه لا تخاف ولا تغلب: امت جماعت سازمان یافته است که ترس ندارد و کسی بر او پیروز نمی‌شود. (رشید رضا، ۴، ۴۵، ۱۴۱۲) چه بسیار حکومت‌هایی که وجود سازمان های مبارزاتی و فعال را بزرگترین مزاحم برای اهداف و سیاست های خود می‌دانند و از هر تلاشی برای سرکوب و نابودی آن ها استفاده می‌کنند و آن ها را مانند خاری در گلوئی خود می‌دانند که به عنوان مثال می‌توان به سازمان های چریکی در رژیم سابق ایران و به گروه های مبارز فلسطینی در سرزمین های اشغالی اشاره کرد.

۶.۲. پاسخگویی

یکی از نقاط قوت این روش، آن است که این سازمان در صورت انجام عملی نادرست و ایجاد تبعات نامطلوب می‌تواند مورد بازخواست قرار گیرد و ملزم به جبران خسارت شود زیرا در این روش امر به معروف توسط گروهی تعریف شده و با افراد شناخته شده و مسئولینی مشخص انجام می‌شود. در حالی که در روش انفرادی به دلیل نامشخص بودن مجریان هر فردی می‌تواند مدعی انجام عملی گردد و هر فردی در عین حال می‌تواند نسبت به عواقب عمل از خود سلب مسئولیت نماید و دخالت خود را در آن انکار کند و چنان چه عواقب نامطلوب به بار آید معلوم نیست چه کسی باید مورد بازخواست قرار گیرد و در چنین وضعیتی این احتمال قوت می‌گیرد که افراد سودجو و فرصت طلب زیر پوشش امر به معروف به اعمال ناشایست و به تسویه حساب های شخصی دست بزنند و به اصطلاح از آب گل آلود ماهی بگیرند پاسخگو بودن نظام های اجتماعی خود از موازین شرعی (قدردان قرا ملکی، ۱۳۸۲۲۳۹) و از اعراف معروف هاست و لذا سازمان امر به معروف هم نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. مگر نه این است که مطابق تعالیم قرآن کریم و احادیث اسلامی، هیچ کس نمی‌تواند مسئولیت گناه دیگری را به عهده بگیرد (قرآن کریم، انعام، آیه ۱۶۴ و اسراء، آیه ۱۵، فاطر، آیه ۱۸، زمر، آیه ۷، نجم، آیه ۳۷).^۳ هر انسانی در گرو اعمال خویش مسئول آن ها است (طور، آیه ۲۱ و مدثر، آیه ۳۸) از هر کاری که پاسخگوی مشخصی ندارد و پاسخگویی در برابر آن میسر نباشد باید اجتناب کرد (امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید «إِحْدَرَمَنْ كَلَّ عَمَلًا سَئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَ وَ اعْتَدَرَ مِنْهُ» از کاری که صاحبش حاضر به قبول مسئولیت آن نباشد اجتناب کن. نهج البلاغه، المعجم المفهرس، نامه ۶۹، بند ۳) اگر امر به معروف مسئول مشخصی نداشته باشد به دلیل نامعلوم بودن مجریانش و عدم امکان پاسخگویی و بازخواست، امر به معروف زمینه ساز ناامنی و سوء استفاده فرصت طلبان و ظالمان و لذا سلطه اشرار و ظالمان بر صالحان و مظلومان خواهد بود و این چیزی است که

^۳ در تمامی این آیات به طور صریح ذکر شده است که هیچ کس نمی‌تواند به عهده گیرنده گناه دیگری باشد و لازمه این معنا آن است که هر کس مسئول اعمال خویش و باید پاسخگوی آن ها باشد در آیات دیگر نیز به طور ضمنی به این مسئله اشاره شده است

با فلسفه و اهداف امر به معروف در تضاد است^۴ و نمی تواند امر به معروفی باشد که اسلام از ما خواسته است و لذا روش سازمانی از این رو بر روش انفرادی برتری دارد که در آن امکان بازخواست و پاسخگویی وجود دارد و زمینه ساز هرج و مرج و نا امنی و سوء استفاده نمی گردد.

۳-۶. داشتن اقتدار مردمی

حفظ استقلال حسبه یک اصل است و در صورت عدم آن ممکن است تحت تاثیر ملاحظات سیاسی قرار گیرد و فلسفه وجودی خود را از دست بدهد و لذا عقل حکم می کند که حسبه به هیچ قدرت سیاسی یا اقتصادی وابسته نباشد (همراه دوست، ۱۳۷۷، ۳۲ و ۳۳) و سازمان حسبه از آن جا که به علمای دینی و مردم متدین متکی است و توسط آن ها اداره می شود موتور حرکت آن ایمان و تدین مردم است و مادام که دین و روحیه دینی در مردم زنده باشد سازمان حسبه نیز مستقل و زنده باقی می ماند همچنان که حوزه های علمیه شیعه به دلیل عدم وابستگی به حکومت ها توانسته اند استقلال خود را نگه دارند ولی حوزه های علمیه اهل سنت به دلیل دولتی شدن از خطر وابستگی متاثر شده و به صورت سخنگوی رسمی دولت مرکزی در آمده اند. (ر.ک. مطهری. مقاله «مشکل اساسی سازمان روحانیت» از کتاب «بیست گفتار») بنابراین امر به معروف سازمانی، مادام که مردم حامی ارزش ها و پیرو علمای دینی باشند می تواند با کمک ها و همراهی مردم و با هدایت علمای عامل به دفاع و حفظ ارزش ها ادامه دهد و حتی در مقابل خطرناک ترین ظالمان و جباران ایستادگی کند.

۷. نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بنیادی و مورد اتفاق همه فرق اسلامی و بلکه ادیان و ملل دیگر جهان هستند. و حتی در کلیت و ضرورت آن همه عقلای جهان اتفاق نظر دارند اما هیچ گاه، در طول تاریخ، آن چنان که شایسته شأن و متناسب با اهداف آن هاست مورد توجه و عنایت جوامع اسلامی قرار نگرفته اند. این مطلب علت های مختلفی می تواند داشته باشد که در این تحقیق، نبودن نگرش سازمانی و تشکیلاتی در اجرای آن ها و پراکنده و انفرادی بودن اعمال انجام شده به عنوان یکی از مهم ترین این علت ها پذیرفته شده است و با دلایل عقلی و شرعی ثابت شده است که امر به معروف و نهی از منکر در ماهیت، ذات خود اصولی اجتماعی و گروهی هستند و بدون کار گروهی و مدیریت سازمانی به اهداف و نتایج مطلوب خود نمی رسند.

دلایلی که برای اثبات این مدعا ارائه می شود به اختصار عبارتند از:

- ۱- به کار رفتن واژه هائی چون "امت" و "منکم" در ادله نقلی این دو اصل
 - ۲- نیازمندی اجرای این دو وظیفه به قدرت و تمکن و نیروی انسانی کار آمد
 - ۳- مشروط بودن وجوب این دو وظیفه به وجود صلاحیت های علمی و اخلاقی خاص در مجریان آن ها
- در بخش دیگر این تحقیق با مطالعه بعضی از فعالیت های سازمان حسبه که در جوامع اسلامی قدیم متصدی اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بوده است نقاط قوت آن سازمان و ریش سازمانی اجرای امر به معروف در سر فصل های زیر به عنوان مؤید و پشتیبان ادله فوق الذکر مورد دقت قرار می گیرد:
- ۱- نداشتن مشکلات روش انفرادی از قبیل عوام زدگی و هرج و مرج و محدودیت دایره تأثیر و سطحی نگری

^۴. زیرا یکی از اهداف این دو اصل امنیت و عدالت و جلوگیری از سلطه اشرار است و در روایات گفته شده در صورت ترک این دو فریضه اشرار بر شما مسلط می شوند و لذا اگر امر به معروف باعث سلطه اشرار شود نقض غرض است و خلاف آن چه از آن مورد نظر بوده است. ر.ک بخش های اولیه همین فصل که اهداف امر به معروف به تفصیل مورد بحث قرار گرفت.

۲- امکان شناسائی و پاسخگوئی

۳- داشتن اقتدار مردمی و امکان عضوگیری و عدم انحصار طبی

۸. پیشنهاد

پیشنهاد می شود سازمانی متشکل از بهترین و سالم ترین و خوش سابقه ترین افراد از میان اقشار مختلف تشکیل شود و آرمان ها ، اهداف و وظایف آن ها مشخص و در مجموعه ای مکتوب شود و بدون وابستگی مالی به دولت و هیچ گرده سیاسی خاص و با امکان ارتباط مستقیم با مردم و با مدیریت علمای دینی و اساتید دانشگاه و دیگر شخصیت‌هایی که دارای نفوذ معنوی و مقبولیت عامه هستند اداره می شود و در هر مجموعه ای از مجموعه‌های انسانی اعم از دولتی مانند بازارها و اماکن تفریحی ، گروهی از سوی این سازمان مستقر شوند و با مشاهده هرگونه فعل منکر یا ترک معروف یا وصول گزارشات مردمی اقدامات لازم را با توجه به موازین اخلاقی و شرعی در جهت پیشگیری یا رفع آن ها اقدام کنند و در صورت لزوم از کمک های نیروی انتظامی و قوه قضائیه بهره گیری کنند .

همچنین پیشنهاد می شود که نحوه همکاری قوه قضائیه و نیروی انتظامی در دستور کار این قوا قرار گیرد و قوانین مربوطه برنامه ریزی و پیش بینی شود .

مراجع

[۱].قرآن کریم

[۲] آل بحر العلوم،سید محمد،(۱۴۰۳ق)،بلغه الفقیه،شرح ثقلین السید محمد تقی آل بحر العلوم، تهران ،منشورات مکتبه الصادق

[۳] آیتی،اسلامی،عباسغلی ،(بی تا)، دو از یاد رفته امر به معروف و نهی از منکر،تهران، ایران،فدک

[۴] ابراهیم،حسن،(۱۳۷۰ق)،تاریخ سیاسی اسلام،ترجمه ابوالقاسم پاینده،تهران،انتشارات جاویدان

[۵]ابن اخوه(محمد بن احمد قریشی)،(۱۴۰۹م)،معالم القربه فی احکام الحسبه،تحقیق: دکتر محمودشعبان، هیئته المصریه العامه للکتاب.

[۶]ابن ابی الحدید،عزالدین ابو حامد بن هبه الله بن محمد بن محمد بن محمد الحسین المدائنی ،(۱۹۵۹)،شرح نهج البلاغه ،التحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم،المطبعه،منشور مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی

[۷]ابن بطوطه محمد بن عبدالله بن اللواتی، ابوعبد الله،(۱۴۰۵)،تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار ،تحقیق،علی المنتظرالکتانی،بیروت،داراحیاء التراث العربی،مؤسسه الرساله.

[۸] ابن حزم الاندلسی،ابی محمد علی بن احمد بن سعید،(۱۴۰۶ق)،الفصل فی الملل والنحل والاهواء،بیروت

[۹]ابن خلدون المغربی،عبد الرحمن(۱۳۵۲ق)،المقدمه ابن خلدون،ترجمه محمد پروین گنابادی،بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

[۱۰] ابن سهل الرزاز الواسطی،اسلم،(۱۴۰۶ق)تاریخ واسط،محقق،کورکیس عواد ،چاپ اول،بیروت،عالم الکتب

[۱۱] ابن کثیر،اسماعیل بن عمر،(بی تا)،البدایه و النهایه،چاپ اول،بیروت،نشر دارالفکر

[۱۲] ابو یعلی،محمد بن حسین،(۱۴۰۳ق)،الاحکام السلطانیه،تحقیق:محمدحامد فقهی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- [۱۳] اطروش، حسن، (۱۹۵۳م)، کتاب الاحتساب، به کوشش سر جنت.
- [۱۴] الامینی، عبدالحسین احمد، (۱۳۹۷ق)، /الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، بیروت، دارالکتب العربی
- [۱۵] الانصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ق)، المکاسب، تحقیق، لجنه التحقیق، چاپ اول، قم، المطبعه الباقری
- [۱۶] بادکوبه هزاوه، احمد، حسبه در سرزمین های شرق اسلامی از آغاز تا سقوط بغداد، پایان نامه دوره دکترا دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، رشته تاریخ و تمدن اسلامی ۱۳۷۶ش، تهران، ایران
- [۱۷] بروس کوئن، (۱۳۹۵ش)، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ناشر، توتیا
- [۱۸] البغدادی، الخطیب، احمد بن علی، (بی تا)، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب
- [۱۹] بنی حسینی، صادق، (۱۳۷۲ش)، ادیان و مذاهب جهان، چاپ اول، قم، نشر وزیری
- [۲۰] بیانی، شیرین، (۱۳۷۱ش)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ویراسته هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- [۲۱] بیهقی دبیر، ابوالفضل، (۱۳۵۶ش)، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، چاپ دوم، مشهد، انجمن آثار ملی دانشگاه مشهد
- [۲۲] تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۲۷ق)، صراط النجاه، قم، دفتر نشر برگزیده . چاپ اول، قم، ایران.
- [۲۳] _____، (۱۳۹۹ق)، ارشاد الطالب فی شرح المکاسب، قم، مطبعه مهر
- [۲۴] تفتازانی، مسعود، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، تحقیق، عبد الرحمن عمیره، بیروت
- [۲۵] جرجانی، علی بن محمد، (۱۳۲۰ق)، شرح المواقف، التحقیق، بدرالدین نعسانی، قاهره
- [۲۶] جزائری، سید عبدالله بن نعمه الله، (بی تا)، التحفه السنیه فی شرح نخبه المحسنیه (مخطوط)، بی جا، نسخه میکروفیلم کتابخانه آستان قدس، شماره عمومی در کتابخانه ۲۲۶۹
- [۲۷] جوان آراسته، حسین، (۱۳۷۹ش)، «امت و ملت نگاهی دوباره»، مجله حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۵۸-۱۷۳
- [۲۸] الجوبینی، عبدالملک، (۱۳۶۹ق)، الارشاد، محقق محمد یوسف موسی و علی عبدالعظیم عبدالمجید، قاهره
- [۲۹] حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله الفسطنطینی، الرومی الحنفی، (۱۴۱۳ق)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالکتب العلمیه
- [۳۰] حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تعلیق: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، دارالحیاه التراث العربی
- [۳۱] حسنی، ابوالحسن، (۱۳۸۸)، تعلق خطابات شرعی سیاسی به مکلف سیاسی، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۸ش صص ۴۲-۴۳ قم ایران
- [۳۲] حلی، ابن ادریس محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر، الحاوی لتحریر الفتاوی، التحقیق، لجنه التحقیق، الناشر مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانيه
- [۳۳] حلی، علامه ابی منصور الحسن بن یوسف بن مطهر الاسدی (علامه حلی)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق ابراهیم موسوی زنجانی، مؤسسه الاعلمی ۱۴۰۷ق، بیروت، لبنان
- [۳۴] حلی، محقق (نجم الدین ابی القاسم)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، نجف، موسسه اسماعیلیان.
- [۳۵] خادم الرضا، علی، (۱۳۹۶)، تعریف استراژی، جعبه ابزار کارآفرینی، تهران
- [۳۶] الخرازی، سید محسن، (۱۴۳۴ق)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- [۳۷] خیرى حسن، (۱۳۹۴ش) بررسی جامعه شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۲۳۷-۲۶۲
- [۳۸] خمینی، روح الله، (۱۳۹۰)، تحریر الوسیله، ج ۲، چاپ ۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- [۳۹] خوانساری، سید احمد، (۱۳۵۵ق)، جامع المدارک، تحقیق، علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
- [۴۰] دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۹ش)، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران سازمان لغت نامه.
- [۴۱] دشتی، محمد، (۱۴۰۴ق)، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، با همکاری کاظم محمدی، مؤسسه النشر
- [۴۲] الراغب الاصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، (۱۳۷۳ق)، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه
- [۴۳] رضائی راد، عبدالحسین، (۱۳۸۴ش)، «آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر با نظر به تجربه های تاریخی» مجله مطالعات اسلامی فقه و اصول، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، شماره ۶۹، پائیز، ص ۷۳-۱۰۰
- [۴۴] _____، (۱۳۸۹ش)، دولتی شدن امر به معروف پیامدها و راهکارها، «مجله پژوهشنامه علوم سیاسی»، شماره ۲۱ زمستان، ص ۱۰۹-۱۳۴
- [۴۵] _____، (۱۳۹۰ش)، تحولات نظارت اجتماعی در تمدن اسلامی، «دو فصلنامه علمی تخصصی اسلام و علوم اجتماعی»، شماره ۵، بهار و تابستان، صفحه ۱۴۵ تا ۱۶۶
- [۴۶] رشید رضا، محمد، (۱۴۱۲ق)، تفسیر المنار، قم، ایران، مؤسسه دارالکتاب
- [۴۷] ری شهری، محمدی، (۱۴۰۴ق)، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ایران
- [۴۸] زمخشری، محمود، (بی تا)، الکشاف، لبنان، دارالمعرفه، لبنان
- [۴۹] اساکت، محمد حسین، (۱۳۶۵ش)، نهاد دادرسی در اسلام، نشر استان قدس رضوی، مشهد، ایران
- [۵۰] سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۱ش)، حکمت و معیشت، موسسه فرهنگی صراط، چاپ پنجم، تهران، ایران
- [۵۱] سری، ابو القاسم، (۱۳۷۸ش)، منصب محتسب در ایران، «مجله حکومت اسلامی»، شماره ۱۳، پائیز، ص ۱۷۴-۱۵۱
- [۵۲] شریعتی، علی، (۱۳۷۸ش)، شیعه مجموعه آثار ۷، نشر الهام، دفتر تدوین و تنظیم آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی، چاپ هفتم
- [۵۳] _____، (۱۳۸۴ش)، شیعه مجموعه آثار ۷، امت وامامت، نشر الهام، دفتر تدوین و تنظیم آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی، چاپ هفتم، تهران ایران
- [۵۴] شهید اول، ابی عبدالله محمد بن مکی العاملی، (۱۴۱۲ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، قم، انتشارات صادق، چاپ سنگی
- [۵۵] شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، (بی تا)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه (شرح لمعه)، جامعه النجف الدینیة الطبعه الاولى، نجف، عراق
- [۵۶] الشیخلی، صباح ابراهیم سعید، (۱۳۶۲ش)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران
- [۵۷] شیزری، عبدالرحمن بن نصر، (۱۳۶۵ق)، نهیة الرتبه فی طلب الحسبه، قام علی نشره السید الباز العرینی باشراف محمد مصطفی زیاده، قاهره، مطبعه اللجنه للتألیف والترجمه و النشر
- [۵۸] صرامی، سیف الله، (۱۳۷۷ش)، حسبه یک نهاد حکومتی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- [۵۹] الطباطبایی، علامه سید محسن، (بی تا)، المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات

- [۶۰] الطریحی، شیخ فخر الدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تحقیق، سید احمد الحسینی، تنظیم محمود عادل، مکتب النشر المرتضویه ۱۳۷۵ش تهران، ایران، ج ۲
- [۶۱] علی، سید امیر، (۱۳۵۲ق)، مختصر تاریخ العرب و التمدن الاسلامی، قاهره، مطبعه العثمانيه المصريه.
- [۶۲] عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۵)، جزوه حقوق عمومی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه تهران
- [۶۳] _____، (۱۳۷۶)، مقاله دیدگاه حکومتی در نظریه حسبه، «مجله حکومت اسلامی»، شماره ۳، بهار، ص ۲۰-۱۴، قم، ایران
- [۶۴] _____، (۱۳۷۳ش)، فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر
- [۶۵] الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد، (۱۳۵۲ق)، احیاء علوم الدین، مصر، مطبعه العثمانيه المصريه
- [۶۶] قدردان قراملکی، محمد حسن، (۱۳۸۲ش)، آزادی در فقه و حدود آن، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- [۶۷] قرشی، علی اکبر، (۱۳۵۲ش)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- [۶۸] فیض کاشانی محمد بن المرتضی، (۱۳۷۰ش)، الوافی فی شرح الاصول الکافی، اصفهان، مکتبه الامیر المؤمنین.
- [۶۹] القرطبی، ابن عبدالله، (۱۳۷۳ق)، الجامع الاحکام القرآن، تصحیح احمد عبدالعلیم البرزونی، القاهره، دارالکتب المصريه
- [۷۰] قلفشندی، ابی العباس احمد ابن علی، (بی تا)، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، دار الکتب المصريه و وزاره الثقافیه القومیه، ج ۳، ۵
- [۷۱] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۵)، فلسفه حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات به نشر
- [۷۲] _____، (۱۳۷۳ش)، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی، چاپ هفدهم، انتشار تهران
- [۷۳] کاشف الغطاء، جعفر، (بی تا)، کشف الغطاء، اصفهان، طبع حجریه المطبعه مهدوی
- [۷۴] گریگوری الیوت، (۱۳۸۹ش)، فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته، ویراسته پین، پیام یزدانجو، تهران مرکز نشر، چاپ اول
- [۷۵] گلپایگانی (الموسوی گلپایگانی)، محمد رضا، (۱۴۱۴ق)، مجمع المسائل، قم، ناشر: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت
- [۷۶] لمبتون، آن. کی. اس، (۱۳۸۰ش)، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق: سید عباس صالحی و محمد مهدی فقهی، تهران، چاپ و نشر عروج
- [۷۷] ماجد، عبد المنعم (۱۹۷۲م)، تاریخ الحضاره الاسلامیه فی العصور الوسطی، قاهره، مصر، مکتبه الانجلوالمصريه
- ماوردی (بصری ماوردی شافعی) الحسن علی بن محمد بن حبیب، (۱۹۰۸م)، احکام السلطانيه والولايات الدينيه، با مشارکت
- [۷۸] قاضی ابویعلی محمد بن حسین، (۱۳۸۶ق)، الفراء، قاهره، مصر، دارالفکر
- [۷۹] متز، آدام، (۱۳۷۸ق)، الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجرى (عصر النهضه الاسلامیه) بیروت، لبنان، دارالمکتب العربیه، ج ۲۰
- [۸۰] لقبال، موسی، (۱۹۷۱م)، الحسبه المذهبيه فی بلاد المغرب العربی، الشركه الوطنيه للنشر والتوزيع.
- [۸۱] مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء
- [۸۲] مطهری، (بی تا)، ده گفتار، ب، قم، ایران، صدرا
- [۸۳] _____، (۱۳۶۸)، حماسه حسینی، تهران و قم، انتشارات صدرا

- [۸۴] معلوف، لويس، (۱۹۰۸)، المنجد في اللغة و الاعلام، ۱۹۸۶م بيروت لبنان
- [۸۵] المقریزی، (۸۵۶ق)، تقی الدین ابن عباس بن علی، الخطط المقریزیه، دارصادر، بیروت لبنان
- [۸۶] میانجی، احمد، (۱۳۶۳)، خمس در کتاب و سنت، «مجله نور علم»، شماره ۴، دوره دوم، ص ۴۵-۵۹
- [۸۷] نائینی، محمد حسین، (بی تا)، تنبیه الامه و تنزیه المله، با توضیح و پاورقی سید محمد طالقانی، [بی جا]
- [۸۸] النجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محقق، عباس القوچانی، چاپ هفتم، تهران، دار الکتب الاسلامیه
- [۸۹] نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ق.)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- [۹۰] النراقی، محمد بن مهدی، (۱۳۸۳)، جامع السعادات، النجف، جامعه النجف الدینیّه.
- [۹۱] همایون، محمد هادی، (۱۳۷۴ش)، تبلیغات یک واژه در دو حوزه، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، [بی جا].
- [۹۲] همراه دوست، بهروز، نمائی از حسبه در اسلام و نهادهای آن در جمهوری اسلامی، پایان نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش، تهران ایران
- [۹۳] یعقوبی، ابو القاسم (۱۳۷۷ش)، «حسبه و ولایت فقیه»، فصلنامه حوزه شماره ۸۵ و ۸۶، ص ۳۳۹-۱۶۷

[۱]P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel and W.P,(2017) Heinrichs Encyclopaedia of Islam, Second Edition

[۲] fa.wikipedia.org.1397/3/20

.shafaat .ahmad.(2003) .commanding good and forbidding evil .HTTP .saif - tripod.com/explore/dawah/.htm

[۳]Michael, Cook ,(February 2001).commanding right and forbidding wrong in Islamic thought . cambridgeUniversity press due ,published

[۴]Dr.Ulike, fretage ,(2004) .commanding right and forbidding wrong in Islamic thought .department of history SOAS.http://www.History.as.ur/welcome